

بلکه بدم که در مجلس خارج شدیم  
پیش خودمان قضاوت کنیم که محتاج  
باین حرفها نباشیم این است که بنده پیشنهاد  
کردم و امیدوارم آقایان هم موافقت بفرمایند  
که فعلاً جلسه ختم شود

رئیس - آقای سهام السلطان  
( اجازه )

سهام السلطان - بنده در قسمت  
فرمایشات آقای مشار اعظم که پیشنهاد ختم  
جلسه کرده اند عرض میکنم چون بکمه قدری  
از فرمایشاتشان راجع بختم جلسه نبود و در  
واقع يك نصیحتی بود و بنده در قسمت ختم  
جلسه عرض میکنم

چون حالا بیست دقیقه بیشتر از ظهر  
نگذشته است و جلسه هم که خیلی دیر تقریباً  
دو ساعت بظهور تشکیل میشود يك کار کردیم  
تنفس داده شد و مجدداً تشکیل شد و حالا  
يك قدری صحبت کرده ایم پیشنهاد ختم جلسه  
میشود

بنده عرض می کنم که در قسمت صبح  
مجلس دیر تشکیل میشود لااقل خوبست تا  
يك ساعت يك ساعت و نیم بعد از ظهر کار کرده  
باشیم و بعقیده بنده باید يك ساعت يك ساعت  
و نیم بعد از ظهر جلسه ختم شود

رئیس - رأی میگیریم بختم جلسه  
آقایان موافقین قیام فرمایند  
( اکثر نمایندگان برخاستند )

رئیس - تصویب شد بقیه مذاکرات  
در پیشنهادها میماند برای روز پنجشنبه  
( مجلس نیم ساعت بعد از  
ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی  
مؤتمن الملک

منشی - علی اقبال الملک  
منشی - معظم السلطان

جلسه ۹۴

صورت مشروح مجلس  
یوم پنجشنبه نوزدهم  
فوس یکهزار و سیصد  
وسه مطابق چهاردهم  
جمادی الاولی یکهزار  
وسیصد چهل و سه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر  
بریاست آقای سهام السلطان  
نایب رئیس تشکیل گردید  
( صورت مجلس سه شنبه ۱۷  
فوس را آقای آقا میرزا جواد  
خان قرائت نمودند )

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال  
در صورت مجلس فرمایشی دارید

آقا شیخ جلال - خیر بعد از تصویب  
صورت مجلس

نایب رئیس - آقای حائری زاده  
( اجازه )

حائری زاده - بعد از تصویب صورت  
مجلس عرضی دارم

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء

( اجازه )

سلطان العلماء - بنده هم قبل از  
دستور عرضی دارم  
نایب رئیس - در صورت مجلس  
ایرادی نیست؟

( گفته شد خیر )

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب  
شد . آقای آقا شیخ جلال  
( اجازه )

آقا شیخ جلال - این همه که  
ما به تأسیسات اقتصادی اهمیت میدهم باید  
تصدیق داشته باشیم که تأسیسات اقتصادی  
وقتی که کمالات جهات آن پیش بینی نشود ممکن  
است برای ما اسباب زحمت شود چند روز  
است بنده در روزنامه ها از طرف بانك شاهنشاهی  
اعلاناتی میبینم بدون اینکه موضوع آن  
اعلانات در مجلس سابقه داشته باشد و چون  
بانك شاهنشاهی موقعی تأسیس شده است  
که مجلس نبوده و از نظامنامه آن مطلع  
نیست

میخواستم تذکر بدهم همان طوری  
که هیچ امتیازی بدون تصویب مجلس ممکن  
نیست همین طور کیفیت جریانات خصوصی  
هم که ممکن است مربوط بمقامات صلاحیت  
دار باشد

باید تصویب مجلس باشد و چون در  
اعلانات نوشته شده است با توافق نظر  
دولت میخواهد اسکناس را تغییر بدهند  
خواستم تذکر بدهم که از طرف مجلس از  
وزارت مالیه سوال شود که این موضوع  
چه بود و مجلس را از این قضیه مستحضر  
نمایند

نایب رئیس - آقای حاج میرزا  
عبدالوهاب

( اجازه )

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده  
دوسوال از آقایان وزراء کرده بودم راجع  
بچیزهایی که در روزنامه نوشته شده است و  
هیچ جوابی نداده اند استدعای کنم تذکر  
داده شود زودتر تشریف بیاورند به بنیم  
اقدامات دولت راجع بمنزخرفاتی که ناهید  
نوشته است چه بوده و تکلیف مسلمانها با  
این جریانات چیست

نایب رئیس - تذکر داده میشود  
آقای حائری زاده

( اجازه )

حائری زاده - بنده در چندین جلسه  
متوالی از مقام ریاست درهوقعی که حضور  
داشتند استعجازه کردم که يك مطالبی را  
استفسار کنم ولی بدبختانه موقع بمن نرسید  
و آقای رئیس اجازه ندادند

امروز هم که آقای رئیس تشریف  
ندارند و دولت هم حاضر نیست و سوال بلا  
جواب خواهد ماند

ولی برای اینکه در آتیه ممکن است  
باز هم استعجازه کنم و اجازه داده نشود مطلب  
خود را عرض می کنم جوابش را بعد آقایان  
بدهند

نایب رئیس - اگر سوال است باید  
کتباً مرقوم دارید تا به آقایان وزراء تذکر  
داده شود که برای جواب حاضر شوند  
حائری زاده - مطلبی است که بنده  
شنیده ام و باید استعلام کنم

نایب رئیس - دولت که حاضر نیست  
حائری زاده - کار بوزراء ندارم  
ممکن است از آقایان و کلاء استفسار  
کنم

نایب رئیس - اگر سوال است ممکن  
است مرقوم دارید که بوزراء تذکر داده شود  
حاضر شوند

حائری زاده - تذکری است حقیقتاً  
اگر آقای رئیس تشریف داشتند چون  
اطلاع داشتند ممکن بود بمن جواب بدهند  
ولی حالا به مجلس عرض میکنم .

در جریانات آقایان مطالعه فرموده اند  
قضایائی در مصر اتفاق افتاده و مصری ها  
بیارامانهای دنیا تظلم کرده اند و وضعیت  
آن جا را بهمه جا خاطر نشان کرده اند  
در مجمع اتفاق ملل هم يك نمایندگی که  
همدردی با مصریها بتواند بکند غیر از  
نماینده ایران نیست تر که اهام که آن جا  
نماینده ندارند .

نماینده ایران آنجا است اول يك  
چیزهایی منتشر شد که نماینده ایران  
قرار بود از طرف مصری ها مظلومیت  
آنها را اظهار کند بعد يك چیزهایی برخلاف  
آن منتشر شد .

حالا که آقای رئیس تشریف ندارند  
ولی آقای نایب رئیس تشریف دارند خواستم  
سوال کنم که چنین تلگرافی به مجلس  
رسمی یا نرسیده و دولت در این باب اقدامی  
کرده یا نکرده است ؟

نایب رئیس - ممکن بود این سوال  
را بنویسید تا بدولت تذکر داده شود  
آقای سلطان العلماء

( اجازه )

سلطان العلماء - بنده پریروز  
اجازه خواسته بودم راجع به معلمین يك  
مختصری عرض کنم .

راجع به حقوق معلمین آقای تدین يك  
فرمایشی فرمودند و بنده كافی دانستم ولی  
در ضمن نطق آقای شیروانی آقای  
ذکاء الملک تکذیب کردند که حقوق  
معلمین داده شده است ولی چون معلمین  
باز به بنده فشار آوردند لازم دانستم  
عرض کنم .

معلمین بدبخت که مختصر حقوقی دارند  
و حقیقه نسبت به حقوق سایر ادارات خیلی  
مختصر است با اینکه معلومات آنها کمتر  
نیست و شاید بیشتر باشد ولی سرمایه آنها  
فقط همین معلمی است .

ماهی بیست و پنج تومان . سی تومان و  
خیلی که ترقی کند چهل و هشت تومان می شود  
آن وقت این مختصر حقوق را هفت برج است  
به آنها نداده اند یعنی سه ماه از سته گذشته

که به عنوان حقوق موقوفه باقی است و چهارم  
هم از هذالسنه باقی است .  
بنده حالا نمی خواهم عرض کنم که  
معارف چه خرابی ها دارد و چه سکتها  
از این تعویق حقوق معلمین به معارف وارد  
می شود .

این معلمین متصل باید گر و کنند .  
تعطیل کنند قوه درس داجن ندارند .  
حواسشان جمع نیست .

تمام دارائی آنها یا بگرو رفته یا  
بغروش رسیده و تمام آنها مستأصل و  
پریشانند و تصور میکنم يك دست هائی هم در  
تعویق حقوق آنهاست نه اینکه صرف بی  
التفاتی و عدم توجه باشد .

خیر . يك نظریات مخصوصی هم هست  
که بنده حالا نمیخواهم عرض کنم همین قدر  
خواستم از آقایان نمایندگان استعما کنم  
که اساساً يك فکری برای حقوق معلمین  
بکنند .

در ماه دومیلون و نیم به ادارات داده  
می شود این ده یا نوزده هزار تومان حقوق  
معلمین را در این بودجه که تصویب می کنند  
از يك محل نقدی معین کنند که اسباب سکت  
معارف نشود و از وزارت مالیه مخصوصاً  
تقاضا شود که بهر نحو است دو سه برج عجالتاً  
حقوق به آنها بدهند که تا اندازه راحتی  
آنها فراهم شود الان اغلب مدارس در حال  
وقفه و تعطیل است .

پارسال بودجه معارف هشت صد هزار  
تومان بود امسال هفتصد و هشتاد هزار تومان  
شده که در حقیقت بیست هزار تومان از آن  
زده اند سال دیگر صد هزار تومان خواهند زد  
تا تمام شود .

علی ای حال خوب است آنچه را که  
می خواهند بدهند اقل برج ببرج به آنها  
بدهند که اسباب زحمت نشود .

در يك موقعی عرض خواهم کرد که  
چه سکت هائی به معارف وارد شده است و در  
حقیقت روح معارف مرده است .

نایب رئیس - در جلسه قبل شرحی  
از طرف مقام ریاست به وزارت مالیه نوشته شد  
و مخصوصاً تأکید شده است که در  
پرداخت حقوق معلمین اقداماتی بکنند .  
آقای رهنما

( اجازه )

رهنما - طرح قانونی که بنده و جمعی  
از نمایندگان امضا کرده بودیم تقدیم شده  
است چون عجالتاً بودجه مطرح است و نمی  
خواهم که آن طرح در معبر بودجه واقع  
شود تقاضا می کنم عجالتاً آن طرح قرائت  
شود که اگر صلاح بود پرود به کمیسیون  
مبتکرات تا بعد از تصویب بودجه مطرح  
شود .

نایب رئیس - قبل از دستور قرائت  
می شود .

آقای طهرانی  
( اجازه )

آقای شیخ محمد علی طهرانی -

بنده بعضی عرایض داشتم که میخواستم عرض کنم لکن عجزاً تقاضا کنم که از طرف هیئت رئیسه تذکر داده شود وزراء در موقع مطرح بودن بودجه حاضر شوند چون چیزهایی پیش میآید و گاهی بیک اعتراضاتی بر می خورد که شاید آقای مخبر اطلاع نداشته باشند و یا اطلاع داشته باشند و مقتضی ندانند باید وزراء حاضر باشند و مخصوصاً به وزارت معارف تذکر داده شود که کفیل معارف برای دفاع از بعضی از موضوعات تشریف بیاورند.

موضوع نیم عشر اوقاف عجزاً مورد تردید است و اگر رد شود سکت بزرگی به معارف وارد می شود. از طرف دیگر ملاحظه میکنیم تشکیلات وزارت معارف برخلاف قانونی است که از مجلس گذشته سابقاً دو اداره بوده است و سه دائره ولی حالا چهار پنج اداره درست کرده اند و دوازده دائره و این حقوقی که باید به معلمین مدارس برسد صرف ادارات وزارت معارف می شود مخصوصاً تقاضا می کنم که آقای کفیل وزارت معارف برای دفاع حاضر شوند.

نایب رئیس - اطلاع داده می شود. آقای سر کشیک زاده (اجازم)

سر کشیک زاده - بنده می خواستم یک روزی از مقام ریاست مجلس اجازه بگیرم و در وضعیت گیلان عرایضی عرض کنم و لایحه هم ترتیب داده بودم که تقدیم مقام ریاست نمایم ولی هنوز آن لایحه تمام نشده و ضمناً هم یک قضیه پیش آمده است که مجبورم عرض نمایم گان برسانم.

هیچ کس نیست که وضعیات اسفناک گیلان و صدماتی که در ظرف این مدت از به وجنک بین المللی تا بحال بگیلان رسیده است و آن مهاجرت کثافتی و آن حکومتهای من در آوردی که در آنجا تشکیل شد و صدماتی که با آنجا وارد شده تصدیق نماید و بالاخره سد ابواب تجارت گیلان را از هستی ساقط کرد و اخیراً پس از اینکه یک مختصر مناسباتی با خارج تأسیس شد تجارت شروع بعمل برنج کردند و در دو سال قبل از طرف وزارت مالیه اجازه داده شد.

یعنی امر شد برنج های که حمل میشود صد یا نود هشتون داشته باشد و بقای این همیشه ترتیب تجارت برنج خریداری کردند و بر رویه حمل کردند.

میزان برنجی که سال گذشته حمل شد تقریباً دو میلیون و صد هزار پوند بود در صورتیکه معمول پارسال سه میلیون و دویست هزار پوند بوده و امسال هم پنا بر

همان ترتیب تجارت برنج خریدار اندودارای صد یا نود هشتون است و آورده اند به اداره گمرک سپرده اند بعد حمل کنند بر رویه.

نمی دانم بچه مناسبت از طرف وزارت مالیه يك امر من در آوردی و يك امر اختراعی که در واقع برخلاف قانون اساسی است شده.

زیرا قانون اساسی تصریح کرده است که تجارت آزاد است و با این حال امر شده است که این برنجه حکماً صدی پنج بیشتر نباید شلتوک داشته باشد و برنج در گمرک توقیف شده.

در صورتیکه از این راه ممکن است دو میلیون بتجار ایران صدمه وارد آید بنده میخواستم تذکر داده شود بدولت که علت اینکه همچو چیزی که برخلاف قانون اساسی است و تقریباً امروزه احتیاج صادرات داریم این طور تضییقات هلش چیست؟ و این تذکر لازمست داده شود.

بعضی از نمایندگان صحیح است. نایب رئیس - طرح پیشنهادی آقای رهنما قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

نظر باینکه فشار اقتصادی عامه مردم را برحمت و مشکلاتی دچار کرده و بنیه جامعه را سال بسال بتخلیل میبرد و مملکت را بطرف خرابی و ویرانی سوق میدهد و نظریاتیکه اساس و پایه تمام این فشارها و کساد بازار و نبودن کار برای بیکاران و قلت صادرات و عدم موفقیت در تأسیس کارخانجات بیشتر مربوط بفقدان راه آهن میباشد و تا مردم این مملکت و دولت و مجلس شورای ملی این قدم اساسی (اجاد راه آهن) را برندارند

سایر اصلاحات خواه فلاحتی و خواه صنعتی و غیره فوق العاده مشکل بنظر میآید و لااقل سالهای عید وقت لازم خواهد داشت و نظر باینکه ادامه این وضعیت مخاطرات زیادی برای مردم و مملکت در بردارد و هر چه زود تر باید مردم تکانی بخود داده و بهر قیمتی شده است وثیقه حیات ملی و استقلال واقعی مملکت را که عبارت از تأسیس راه آهن میباشد دست آورند اینجانب بتقدیم این پیشنهاد مبادرت می نمایم.

برای استحضار خاطر نمایندگان محترم اجمالاً تذکر میدهم که حق انحصار ورود قند و شکر و حلویات و جای بدولت بشرطی که در مواد ذیل تصریح شده است در حال پیش از پنج کرو عایدی برای انجام مقصود فوق خواهد داشت و این مسئله از احصایه گمرکی سنوات اخیر بخوبی واضح و نمایان میباشد. بنابراین مواد ذیل را بمجلس شورای

ملی تقدیم و امید وارم نمایندگان محترم و همکاران عزیز موافقت فرمودند بوسیله برداشتن این قدم مهم مردم و مملکت را از این وضعیت ناگوار و خطرناک امروزه نجات داده و یاد گار درخشانی از دوره پنجم مجلس شورای ملی باقی گذارند.

ماده اول - مجلس شورای ملی حق انحصار و مانع للغیر ورود قند و شکر و حلویات و جای را بدولت واگذار مینماید.

ماده دوم - دولت حق دارد هر تاجری را در این تجارت شرکت داده و از حق انحصاری خود بهره مند سازد بشرطیکه در مقابل اعطاء اجازه هر يك من قند و شکر و حلویات دو قران و از هر يك من جای شش قران از آنها دریافت دارد.

ماده سوم - عایدی که از این تجارت و حق انحصار برای دولت حاصل میشود باید جزعاً و کلاً بتوسط وزارت مالیه در یکی از بانکهای معتبر امانت گذارده شود دولت بهیچ وجه و بهیچ عنوانی حق ندارد دیناری از آن را صرف مخارجی غیر از تأسیس راه آهن بنماید.

ماده چهارم - عایدی این تجارت و حق انحصار فقط باید صرف تأسیس راه آهن بشود.

ماده پنجم - دولت باید يك هیئت متخصص راه آهن از آلمان برای مدت ده سال استخدام و شرایط استخدام آنها را فوری بمجلس شورای ملی بیاورند.

صرف این عایدی برای تأسیس راه آهن بطرزیکه آن هیئت متخصص تصویب کرده باشد باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

ماده ششم - این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد و کسانی که قند و شکر و حلویات و جای آنها پس از اجرای این قانون هنوز بسرحدات ایران وارد نشده است

باید بروند و اجازه نامه بر طبق ماده دوم از دولت تحصیل نمایند و الا عین جنس آنها در گمرک ضبط و قیمت آن مطابق فاکتور کارخانه و یا تجارتخانه که آن را فرستاده بصاحبان آنها تأدیبه خواهد شد و اجناس مزبوره را خود دولت بمصرف فروش میرساند.

ماده هفتم - وزارت فوائد عامه و مالیه مأمور اجرای این قانون خواهند بود. رهنما. محمد علی طهرانی. حسین عدل الملک. مهدی زاهدی - سر کشیک زاده - هایم - شیروانی - رئیس التجار - قائم مقام - و کبیل الملک. سلیم ایردی. صدق السلطنه. احتشام الحکماء - هرمزی - امیر اعظم - عماد السلطنه - نظم الملک مظربی - مشیر معظم.

نایب رئیس - مراجعه میشود بکمیسیون مبتکرات. پیش نهاد آقای یاسائی راجع باده دوم قانون بودجه در جلسه قبل قرائت شده

و توضیحشان را هم داده اند. آقای سید یعقوب - بنده عرض خیلی لازمی دارم.

نایب رئیس - وارد دستور شدیم. آقای سید یعقوب - خیلی لازم است.

نایب رئیس - در موقع تنفس آقای یاسائی.

(اجازه)

یاسائی - البته آقایان نمایندگان محترم بریشانی و فقر مؤدیان مالیاتی را در نظر دارند و هیچ فلسفه برای تأدیبه شهریه باشخص معین بنظر نمی آید جز اینکه بعضی اشخاص خدماتی باین ملت و مردم و مخدوم خودشان کرده باشند و در موقعی آن مخدوم میکنند تلافی کنند که يك دارائی و ثروتی داشته باشد.

اینجا ما پیشنهاد کردیم يك اشخاصی که استحقاقی ندارند و دارای ثروت هستند شهریه هاشان حذف شود زیرا اگر این اشخاص خدمتی هم کرده اند دیگر احتیاجی ندارند که ملت آن خدمت را بآداش بدهد ولی اشخاصی که مستحق و بریشانند خدماتی هم کرده اند البته شهریه و مستمری آنها باید پرداخته شود.

این اشخاصی را که بنده صورت داده ام و در جلسه گذشته اسامی آنها قرائت شد اشخاصی هستند که دارای ثروت میشوند و مطابق تحقیقی که بنده کرده ام بعضی از آنها پول تنزیل میدهند از قرار صد بیست و صد بیست و پنج و بنده بنده این اشخاص که از ملت و دولت بآداش میخواهند بعضی هاشان علاوه بر اینکه خدمتاتی نکرده يك کار هائی هم کرده اند و بنده بنده شهریه و مستمری این اشخاص بخصوص باید حذف شود و برای بقیه هم در آتیه يك فکری بشود.

يك عده از این اشخاص که بنده اسمشان را در پیشنهاد خود نوشته ام کسانی هستند که بسکی دو مرتبه وزیر شده اند و بعد از وزارت شغل دیگری قبول نکرده اند و باین مناسبت يك شهریه هائی میگیرند.

اگر بنا باشد این اصل را مهرز کنیم ممکن است تمام و کلاه هم بعد از انقضای دوره و کالتشان بگویند چون ما مقام و کالت را احراز کرده ایم دیگر نمی توانیم شغل دیگر قبول کنیم و خوب است اقلاً نصف دویست تومان هم بما شهریه بدهند و این ترتیب ادامه پیدا میکند که هر کس پنج روز شش روز وزیر شد حتماً بآید يك مبلغی از خزانه دولت بگیرد.

چون بنده خود شس از وزارت نمی توانم کار دیگری بکنم مثلاً دکتری که مال آمده است وزیر شده است بجای اینکه پس از آنکه وزارتش







ولی بنده حالا توجه میدم آقایان را بدرجه چهارم در آن زمانیکه بنده چهار ماه و کسری وزیر معارف بودم درست دقت کردم دیدم بدبختانه وزارت معارف برای ایالات و ولایات صدوهفتاد هزار تومان بودجه دارد.

این را حساب بفرمائید ببینید صد و هفتاد هزار تومان بودجه از برای تمام این مملکت چه چیز است چون همه ماها در ضمن صحبت هامان گفتگو از توسعه میکنیم و بالاخره توسعه معارف مستلزم پول است معارف اداره جمع نیست اداره است که باید پول داد به آنجا

معارف وقتشون خرج دارد و همه این هایداتی که مردم میدهند از برای اینست که بصارف خودشان برسند صحبت هائی که این جا شده است بنده بطور خلاصه این جا عرض میکنم مردمی را که دینار دینار از آنها مالیات میگیرند باید بمعلومات آنها هم مساعدت کرد

این بودجه که امسال پیش نهاد شده اگر راجع بقسمت معارف دقت بفرمائید این طور می فهماند که معارف ایالات و ولایات منحل است حالا عرض بنده را درست توجه بفرمائید.

سال گذشته بودجه تمام معارف این مملکت هشتصد هزار تومان بود امسال عوض اینکه زیاد شود بیست هزار تومان هم به اسم اوقاف کسری می شود.

این اهداد را یک جا یادداشت بفرمائید که در نظر تان باشد. یولی بنده معارف اول آنها میگیرند پس عبارة اخری این توضیحاتی را که بنده با بعد خدمت آقایان عرض کردم یک چیز خیالی و توری نیست و این بودجه را که امسال ما به آن رأی میدهم مفهومی انجعال معارف ایالات و ولایات است و وقتی که این حس در بنده پیدا شد نگاه کردم بودجه.

یک چیز دیگری را که بنده یادداشت نکرده بودم و حالا بنده تذکره دادند و حق هم هست این است که شهریه هائی که اطفال مدارس یزد و کاشان میدادند تقریباً بیست و پنج هزار تومان میشد که از اوقاف بمعارف ابتدائی محل میرسد. امسال آن هم که جزو مالیه است پس این مبلغ بیست و پنج هزار تومان هم که از این محل میرسد از جمع معارف کسر شده است.

سال گذشته اگر بودجه که از مجلس چهارم گذشته است در نظر آقایان باشد یولی پنج شاهی عایدات مجلس خودش است.

و اینها عایدات مجلسی که قریب چهار هزار تومان بود میگرفتند و میدادند

ولی امسال آن یولی پنج شاهی هم نیست و اگر هم باشد جزو عایدات کل است و مالیه بیش از این هشتصد هزار تومان نخواهد داد.

پس قریب چهار هزار تومان هم از عایدات یولی پنج شاهی کیلان کم شده و سایر اعانه های مجلسی که از کرمانشاه و همدان و باطابق حتی کردند و قصر میگرفتند از قبیل عدلی پنج شاهی و باری سه عباسی و صرف معارف آن جا میگردد امسال آن ها را هم نخواهند گرفت یا اگر هم میگیرند جزء جمع مالیه و عایدات کل خواهند شد.

این هم من حیث المجموع تقریباً پنجاه شصت هزار تومان خواهد شد و این اعداد را جمع بفرمائید گویا از صد و هفتاد هزار تومان بودجه معارف ایالات و ولایات بیشتر بشود. بابک چیزی میشود قریب به آن مبلغ شیروانی صد و هفتاد و دوهزار تومان.

سلیمان میرزا بقول آقا صد و هفتاد و دوهزار تومان بودجه معارف ایالات است و یقین است بدان آنکه این بودجه گذشت اداره معارف مرکزی نخواهد گذاشت که حقوق خودشان را بگیرند و بدهند بودجه کردستان یا خراسان (و بقول مسبو مر نارد آن هائیکه ببخاری نزدیک ترند زودتر کرم میشوند)

آنها نیکه در مرکز هستند اگر هم یولی بنده معارف اول آنها میگیرند پس عبارة اخری این توضیحاتی را که بنده با بعد خدمت آقایان عرض کردم یک چیز خیالی و توری نیست و این بودجه را که امسال ما به آن رأی میدهم مفهومی انجعال معارف ایالات و ولایات است و وقتی که این حس در بنده پیدا شد نگاه کردم بودجه.

یک چیز دیگری را که بنده یادداشت نکرده بودم و حالا بنده تذکره دادند و حق هم هست این است که شهریه هائی که اطفال مدارس یزد و کاشان میدادند تقریباً بیست و پنج هزار تومان میشد که از اوقاف بمعارف ابتدائی محل میرسد. امسال آن هم که جزو مالیه است پس این مبلغ بیست و پنج هزار تومان هم که از این محل میرسد از جمع معارف کسر شده است.

سال گذشته اگر بودجه که از مجلس چهارم گذشته است در نظر آقایان باشد یولی پنج شاهی عایدات مجلس خودش است.

و اینها عایدات مجلسی که قریب چهار هزار تومان بود میگرفتند و میدادند

زیرا امروز به این هشتصد هزار هزار تومان رأی میدهم فردا در موقع عمل می بینیم معارف ایالات و ولایات از دست رفت و لایتنقطع و کلای ولایات سؤال خواهند کرد و هر دوره هر کسیکه وزیر معارف باشد در زیر فشار سؤال و استیضاح و کلای مجلس است و آنها هم حق دارند و بنده برای اتمام حجت و برای اینکه با علم و اطلاع رأی بدهیم این پیش نهاد را کردم و تنها خبر دادن ز خطر قطعی نبود بلکه الان اطلاع دارم و فکر چاره راهم کردم که این بلا نازل نشود و الا گریه کردن بالای سر مرده فائده ندارد.

بنابراین در کمیسیون بودجه دقت کردم و در موقعیکه آقایان بعضی فلسفه ها میفرمودند بنده عقیده خودم را مسکوت عنه گذاشتم.

یعنی گفتم شهریه ها و مسمریه ها فعلا باید کنار گذاشت و یک قانونی مثل قانون تقاعد وضع کرد و بعد گفت فلان کس را بر طبق فلان خدمتی که کرده است باید فلان قدر حقوق داد و بنده آن قسمت را حالا مطرح نمی کنم زیرا معارف بارای ما خراب است و چاره خرابی را که فکر کردم دیدم با اصطلاح معروف ظلم با سوبه عدل است و بقول آقای آقا سید فاضل که در دوره چهارم گفت: داخل کتاب شهریه ها نمی شوم.

دردوره چهارم مستعربات قریب چهار هزار و کسری قلم اسامی اشخاصی بود و در دوره چهارم هم طوری که آقایان قبلا فرمودند ما درستون بودجه خیلی دقت کردیم و یک دوسیه های زیاد با یک کاری آوردند و آنچه بنده پیش نهاد کردم راجع بتومانی پنج قران و یک تومانست و هر فلسفه را که راجع باین اشخاص تصور بفرمائید مستحق است. بچهاره است. خدمت کرده است در آن توامانی دوریال هم هست پس چرا به آنها توامانی دوریال میدهند و بعضی دیگر توامانی پنج قران و یک تومان؟

حالا خواه استحقاق باشد خواه خدمت باشد خواه هر فلسفه دیگری که درباره آنها قائل هستند در این قسمت هم چون بعضی اشخاص هستند که سابقاً توامانی دوریال میگرفته اند و بواسطه دست رسی که خودشان بدولت داشته اند یا واسطه داشته اند

اگر هم خدمت کرده اند یک تصویب نامه هائی صادر کرده اند که توامانی تومان بگیرند.

و بعضی اشخاص دیگری هستند که خیلی زرنگ هستند و از هر طرفی خواسته اند آنها را بگیرند از طرف دیگر فرار کرده اند.

بعضی اشخاص در شهریه در مستعربات

دوسه جا اسم داشتند وقتی که دیدند مستعرب ها توامانی دوریال میشود فوراً فرار کردند و رفتند بکتاب شهریه و در آن جا شهریه بگیر شدند.

دردوره چهارم آن قانونی را که آقای تدین هم تذکره کردند گذرانند که توامانی چهار قران از شهرها کسر بشود و هر کس هم بیشتر از این صد تومان شهریه داشت قطع میشد و قتیکه دید این چاهم کبر افتادند اتفاقاً آن عمده وسائل کار راهم داشتند باز زرنگ هانستند و چاره جوئی کردند چه بود؟ این بود که گفتند ما از کتاب شهریه عودت میکنیم بکتاب مستعربات و یک تصویب نامه هم سنجاق میکنیم بموادش که توامانی تومان بگیریم و از این قانون که دوره چهارم بجان ما گذاشته است کاز پنجاه تومان بیالا توامانی چهار قران کسر بشود و از این صد تومان بیالا قطع کنند

از این هم خلاص میشویم این است که در مستعربات داریم اشخاصی را که دوازده هزار تومان هم می گیرند یک نفر از نمایندگان گئی است؟ سلیمان میرزا چه عرض کنم همان طور که آقای مغیر فرمودند بنده هم نمی خواهم فعلا اسم اشخاص را برم ولی اگر بکتاب مستعرب و شهریه ها مراجعه بفرمائید

ملاحظه خواهید فرمود که اشخاصی هستند که دوازده هزار تومان میگیرند با آن فلسفه هم که رفقا قبل از من فرمودند اگر مسئله استحقاق راهم در نظر بگیرند

باز باین اشخاص صدمه وارد نمایم زیرا این ها از توامانی دوریال فرار کرده و حقوق خودشان را شهریه کرده اند و قانونی هم مجلس در دوره چهارم وضع کرده بود مانع بود که زیاد تر از این صد تومان بگیرند لهذا شهریه خود را مستعرب کرده و توامان میگیرند

پس چه باید کرد که این اشخاص زرنگ راهم گیر آورند؟ این جا است که بنده عرض میکنم ظلم با سوبه عدل است و بهتر این است که آن هم امساله توامانی دوریال بگیرند.

این پیشنهاد بنده که اجازه خواستم دوباره بخوانم در واقع چند پیش نهاد است و جدا جدا هم میتوان رأی گرفت تا شاید باین وسیله یک دویست هزار توامانی برای معارف (ایالات و ولایات پیدا کنیم و نگذاریم معارف ایالات و ولایات از بی برود والا اگر این طور باشد از بی برود در هر کدام از اقلامیکه عرض کردم اگر اشکالی دارید بفرمائید.

قبلا عرض کردم این بیست هزار تومان

قبلا عرض کردم این بیست هزار تومان

اوقاف دیگر امساله نخواهد بود یا اگر هم باشد وزارت مالیه بمعارف نمیدهد صورت شهریه ها راهم وقتی خلاصه کنیم مجموعاً دارای چند قلم میشود. یکی شهریه گمرکی مال اشخاصی است که در گمرک مستخدم بوده اند و در عوض یک خدمات طولانی با صدماتی که دیده اند آنها داده میشود.

جمعش هم چیزی نیست و روی هم هشت هزار دویست و هشتاد و یک تومان و بنده نسبت باین فقره عرضی ندارم زیرا چنانچه عرض کردم در مقابل خدمت گرفته اند.

یکی دیگر شهریه معموله وزارت مالیه است. جمع این هم می شود صد و چهار و نه هزار و شصت و چهار و سه تومان و دو قران با این هم فعلا کاری ندارم فقط آن چند قلمی را که این جا اسم بردم فرضاً هم که مستحق باشند خوبست بزرگوار می معارف برستی کرده آن هزار تومان قروض را بطور اعانه هم شده بمعارف بدهد.

به اسم که میخواهد فرض کند و هر چه میخواهد خیال کند تا شاید طوری شود که معارف ایالات و ولایات از بین نرود.

یکی مستعربات تومان تومان است این مبلغ هم میشود دویست و چهار و دوهزار و صد و پنجاه و چهار تومان و هشت قران این راهم ضرر ندارد بجای اینکه تومان تومان میگیرند ما تصویب کنیم

مثل سایر بندگان خدا توامانی دوریال بگیرند و تحقیقاً به آقایان عرض می کنیم وقتی که این ها را تصویب کردیم آن وقت صد و هشتاد و یک هزار و شصت و شانزده تومان و یک قران معل پیدا خواهیم کرد و میتوانیم این مبلغ را بمعارف ایالات و ولایات تخصیص بدهیم و ظلم با سوبه هم عدل است.

این هم یکی از پیش نهاد های بنده است که مسئله توامانی پنج هزار است که هفت هزار و چهار صد و هفتاد و پنج تومان میشود.

اگر بنا شود این هم در تحت قاعده کلی در بیاید و توامانی دوریال بشود آن وقت نصف این مبلغ که بیست و سه هزار و هفتصد و سی و هفت تومان میشود مامعل خواهیم داشت که ممکن است این راهم بمعارف ایالات و ولایات تخصیص بدهیم. مجموع این اقلام همان دویست هزار تومان و کسریست که بمعارف ایالات و ولایات تخصیص بدهیم.

که قطع مرسوم خوب نیست.

دیگر داخل کتاب مستعرب و شهریه نمی شوم همین قدر عرض میکنم خوبست این این آقایان هم توامانی دوریال بگیرند تا همه مساوی باشند و آن وقت این مبلغ ها را که دویست هزار تومانست بمعارف ایالات و ولایات اختصاص بدهیم.

در خارج من ایراد کردند که تو وکیل مرکزی چکار بولایات داری من گفتم: من وقتیکه وکیل مرکز شدم وکیل تمام مملکت خواهم بود همان طور رفقا که وکیل ایالات و ولایاتند وکیل مرکز خواهند بود.

معارف هم یک چیز عمومی است و اگر این را قبول بفرمائید نعم العالوب. دیگر اینکه در دوره چهارم باز بنده عضو کمیسیون بودجه و همان طور که آقای تدین فرمودند پس از گفتگوهای زیاد بالاخره گفتم این بیست و سه قلم یک اشخاصی هستند که با همه فرضیات و نازک کاریها و استحقاق و بیچارگی هر چه که فرض بفرمائید یک عمده اشخاصی هستند که این بول بدریشان نمی خود مثل ناصر الملک و وثوق الدوله در جزو این اقلام می باشد و یک اشخاص برجسته هستند

غرض این است این اقلام هم بچهل و هفت هزار تومان و کسری بالغ است. در همان دوره هم در موقعی که در این باب صحبت و مذاکره شد

اولین قدم را دو نفر از و کلاه آن دوره آقایان سپه دار سردار معتمد برداشته و حقوق خودشان را تقدیم ملت کردند. همین طور آقایان مشیر الدوله و مؤتمن الملک هم کاغذی بکمیسیون بودجه نوشته اند و مستعرب خودشان را واگذار کرده اند و این قدم را دو نفر از بهترین اشخاص برداشته اند و این خدمت را بمعارف و مملکت کرده اند.

حالا اگر این اشخاصی را که عرض کردم در این بیست و سه قلمند از قبیل سردار کبیر و وثوق الدوله و غیره از این توامانی دوریال صرف نظر نمایم و این بول به آنها داده نشد بالغ برده هزار تومان برای معارف از این راه صرفه جوئی میشود.

حالا برای این که توضیحات مفصلی عرض کرده باشم اجازه خواسته ام خودم پیش نهاد خودم را بخوانم و توجه آقایان و کلاه و هفتصد و سی و هفت تومان میشود مامعل خواهیم داشت که ممکن است این راهم بمعارف ایالات و ولایات تخصیص بدهیم.

مجموع این اقلام همان دویست هزار تومان و کسریست که بمعارف ایالات و ولایات تخصیص بدهیم.

که قطع مرسوم خوب نیست.

این پیشنهاد بنده این طور نیست زیرا تاکنون یک عمده اشخاصی که بسیار چاقی و فربه بودند و شاید محتاج هم نبوده اند این حقوق را می بردند حالاً میگوئیم از اینها بگیریم و بدهیم بمعلمین بدبخت و همه هم میدانند که معلمین ولایات همه گرسنه و محتاجند اگر یک اشخاصی کمتر بگیرند و در عوض یک عمده بیچاره هم از گرسنگی نه میرند در نتیجه معارف ایالات و ولایات هم خراب نمی شود.

پس قطع مرسوم هم در این جا بنظر نمی آید. این بود خلاصه نظریات بنده که به عقیده خودم یک پیشنهاد عملی است و با آن یکی پیش نهاد ها هم موافقم و خودم هم تقاضای تجزیه اش را میکنم زیرا ممکن است بعضی ها یک نظر بر این قبول بکنند و بعضی دیگر یک نظر دیگری داشته باشند.

مقام ریاست هم فرمودند که این پیش نهاد چهار پنج تا پیش نهاد جدا گانه است که در یک صفحه نوشته شده. پیش نهاد را قرائت میکنم: مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی نظر باینکه عایدات مملکتی باید صرف حوائج ضروریه اهالی گردد و کسانی که میتوانند زندگانی خود را شخصاً اداره نمایند محتاج بگرفتن مستعرب و شهریه و غیره نیستند.

نظر باینکه توسعه معارف و خصوصاً تحصیلات ابتدائی کمال لزوم را دارد و بواسطه کمی عایدات ممکن نشده است که در هنده السنه بر اعتبار وزارت معارف افزوده شود و متأسفانه مبلغی هم کسر شده.

نظر باینکه برای پیش نهاد توسعه مدارس ابتدائی خاصه در ولایات تهیه معلی در بودجه لازم است لذا پیش نهاد کنندگان ذیل پیشنهاد مینمایم: اینکه بنده اینطور و ششم برای این بود که نظام نامه مجلس اجازه نمیدهد به وکیل که پیشنهاد خرج بکنند.

بنابراین تقاضا کردم که این مبلغ را بفلان مصرف خرج کنند و در مقدمه هم یاد آوری کرده ام و توضیح داده که بودجه معارف کم است و اگر مجلس موافقت فرمود و پیشنهاد بنده را قبول کرد آنوقت فوراً وزارت مالیه و وزارت معارف خرجش را پیش نهاد خواهند کرد که مثلاً فلان مبلغ بفلان محل داده شود و بچه ترتیب عمل شود و در موقعی که میخواهیم به هشتصد هزار تومان رأی بدهیم پیشنهاد می کنم فلا تقدر کسر شود آنوقت بآن کسر رأی خواهند گرفت.

اینکه در پیشنهاد عرض کرده ام (مبلغ دویست و پنجاه و هشت هزار و دویست و ده تومان و نه قران از اعتبار شهریه و مستعربات کسر شده اعتبار شهریه ها.

پس صادم الدوله جزو این بیست و سه قلم نیست. عرض کردم بنده این صورت را از کتابی که وزارت مالیه فرستاده است بدون کم و زیاد استنباخ کرده و صورت برداشته ام.

مثلاً شاهزاده ظفر السلطنه هزار و هشتصد و شصت و سه تومان و نه قران میگیرند چیزی نیست.

پانصد و چهل و یک هزار و هفتصد و هشتاد و نه تومان و یک قران رأی گرفته شد و بقیه را در صورت موافقت دولت مخصوص مدارس ابتدائی ایالات و ولایات نمایند) و این کسری را که بنده منظور کرده ام جزوش را در ذیل توضیح داده ام و چون بنده نمیتوانستم پیش نهاد اضافه خرج کنم لهذا این طور پیش نهاد کرده ام و این در واقع پیش نهاد دومی بنده است.

(وزارت مالیه مجاز است تیرخ کلیه مستعربات را در هنده السنه ۱۳۰۳ دوریال محسوب نماید) این هم یک پیشنهاد.

پیش نهاد دیگر هم این است که (مستعربات ۲۳ قلمی که در ۱۳۰۱ از تومان بتومانی دوریال تنزل یافته از هنده السنه مقطوع میباشد) قسمت چهارم: (اشخاصی که اسامی آنها ذیلا ذکر می شود مستعربات و شهریه آن ها مقطوع است)

چون گمان نمیکنم این ها اشخاصی باشند که استحقاق داشته باشند زیرا قسمت عمده اش از متولذ هستند اگر اجازه بفرمائید اسامی شان را بخوانم.

بعضی از نمایندگان بخوانید سلیمان میرزا. صادم الدوله هزار و خوب صادم الدوله را نیشود فرض کرد که مستحق است زیرا ایشان خودشان در اسفهان مدرسه متوسطه باز کرده اند.

شاهزاده نصرت الدوله صادم الدوله جزو آن بیست و سه قلم نیست؟ سلیمان میرزا - صورت بیست و سه را بنده رو بردارم و همه چیز بیست و سه صورت بیست و سه قلم از این قرار است:

عمید السلطنه نصیر الدوله. قوام السلطنه سردار کبیر. مشیر الدوله. وثوق الدوله. مؤتمن الملک. امیر نظام. فرمانفرما. تهرت الدوله. ناصر الملک. ارفع الدوله. خان بابا خان ولد سردار احمد. وحید الملک. سالار اعظم ولد سردار احمد. امیر جنگ. سردار بهار ولد سردار احمد. منوچهر خان ولد سردار احمد. حاج خسرو خان سردار ظفر سید الدوله. اقبال الدوله هم بوده که فوت کرده است.

پس صادم الدوله جزو این بیست و سه قلم نیست. عرض کردم بنده این صورت را از کتابی که وزارت مالیه فرستاده است بدون کم و زیاد استنباخ کرده و صورت برداشته ام.

مثلاً شاهزاده ظفر السلطنه هزار و هشتصد و شصت و سه تومان و نه قران میگیرند چیزی نیست.



فخرالدوله هزار دو پوست تومان .  
 کاران میرزا دوازده هزار و چهارصد و نود و هشت تومان .  
 ایشان یکی از آنهایی هستند که از شهریه قاچاق کرده و بصورت تومان تومان در آورده است .  
 در آن صورت دیده چیزی نمیرسد و بیش از سیصد و کسری نمیشود از این جهت راه فرار بغلط فرار رسیده و باین صورت تومان تومان میگیرد .  
 موقوف الدوله سه هزار تومان .  
 ایشان هم چون قلا وزیر هستند لذا در حقوق نخواهند گرفت و مستحق هم نیستند .  
 از مستمریات تومان پنج قران .  
 اردشیر میرزا پسر ظل السلطان هفتصد تومان .  
 البته از تمول وارث پدر اینقدر با ایشان رسیده است که از این هفتصد تومان که تومانی پنج قران سیصد تومان و کسری میشود صرف نظر بنمایند ایشان شاید چند تا نوگردارند و بهیچ وجه مستحق نیستند خوب است این راهم بدهیم باین معارفی که این همه برایش داد میزنیم و بجای هم بر نمیخورد .  
 بدرالدوله دختر ظل السلطان سیصد تومان .  
 تیمور میرزا پسر ظل السلطان هفتصد تومان .  
 میرزا حسینخان احتشام حضور هفتصد تومان .  
 تمجید الدوله هزار و پنجاه و هفت تومان .  
 شوکت السلطنه دختر ظل السلطان سیصد تومان .  
 یکتفر از نمایندگان - چیزی ندارد .  
 سلیمان میرزا - بنده چه عرض کنم اینقدر در اطلاع داشتم که عرض کردم حالا اگر شاهزاده خانها چیزی نرسیده است خبری ندارم -  
 فرضاً خانم شوکت السلطنه بیش از سیصد تومان که تومانی پنجقران صد و پنجاه تومان میشود چیزی ندارند نمیدانم - غرض اینست همه اینها را جمع کنیم و صرف ایالات و ولایات کنیم - مجموع اینها دو و سیصد و هشتاد و دو تومان میشود -  
 بالجمله فیروز میرزا پسر ظل السلطان هفتصد تومان قران الدوله دختر ظل السلطان سیصد تومان حاج امین الدوله سه هزار تومان همایون میرزا پسر ظل السلطان هفتصد تومان که نصفش را سیصد و پنجاه تومان میگیرند اینها آن تومانی پنجقرانها بود که عرض کردم از شهریها امیر بهادر جنک در راه صد و چهل تومان میگیرند

امیر کبیر پانصد تومان و چنانچه عرض کردم ایشان در دوجا اسمشان هست یکجا در مستمریات و یکی هم در شهریه و البته مطابق قانونی که از مجلس گذشته و حقوق نمیشود بگیرند - اما مهمان در دوجا اسمشان هست حالا چقدر و چطور میگیرند بنده نمیدانم .  
 انوشیروان میرزا هشتاد تومان میگیرند باز باسم انوشیروان میرزا در بیست و پنج تومان (هم ایشان هم دو قلم است) سالار الدوله که خدمت تاریخی ایشان منظور نظر همه هست و اخیراً هم خواستند یک خدمت تاریخی دیگری بکنند که بحمداله موفق نشدند - باستی پانصد تومان شهریه بگیرند حالا اگر مستحقند رأی بدهید بنده و قلیقه خودم را انجام میدهم دیگر بسته بنظر آقایان است .  
 خلاصه این بود پیشهاد بنده که نسبت بآن اشخاص که مستحق نیستند پیشهاد کرده ام حقوقشان قطع شود و اهمیت چندانی هم دارد - زیرا این آقایان بزرگان مملکت هستند و انسان در موقع تنگ دستی و احتیاج باشخاص متمول و بزرگ متوسل میشود اینها قرضاً در این مدت باین مملکت خدمت کرده اند حالاً هم ضرری ندارد که خدمت آخری خودشان را بملکت بکنند یعنی در موقعیکه معارف ایالات و ولایات در یک حال بحران و وضعیت اسفناکی بزرگواری کنند و از این حقوق صرف نظر کنند -  
 یعنی در واقع بیخسید دیگر بسته برای مجلس است . یک صورتی هم بنده رسیده است که چون تصور میشود من فراموش کرده باشم اسم بعضی هارا نوشته بود ولی نسبت بآنها بنده فراموش نکردم و برای قطع آنها باید یک ماده واحد پیشهاد کنیم - زیرا حقوق شاهزاده نصرت السلطنه و عضد السلطان قانونی است و از مجلس تصویب شده است حالا اگر بخواهیم ملتی کنیم باید آنرا بموجب قانون لغو کنیم تا از بین برود و الا بوقت خوب باقی خواهد بود یکی هم حقوق شاهزاده ناصرالدین میرزا است که جزو شهریه است حالا اگر بخواهید این مواد را ضمیمه کنید بنده حرفی ندارم و موافقم زیرا این آقایان بیشتر باید غصه مملکت را بخورند بدلیل اینکه پسر پادشاه پادشاه مملکت هستند و اینها باید کاری بکنند که معارف ایالات و ولایات از بین نرود البته بطور اعانه هم شده باید کمک کنند  
 بهر حال صورت اسامی هم که خوانده شد و آقایان دیدند که این اشخاص مستحق نیستند چه ضرر دارد به عنوان اعانه هم میتوانند بدهند بعلاوه تجزیه راهم در پیشهاد خودم قائل شدم مام دیگر بسته بنظر مجلس است در خانه مخصوصاً بوکلای ایالات و ولایات تذکر میدهم زیرا این بیشتر بنفع

ایالات و ولایات است  
**نایب رئیس** - (خطاب بمخبر) عقیده کمیسیون در اینبار چیست .  
 (در این موقع شاهزاده نصرت الدوله اجازه خواستند)  
**نایب رئیس** - حضرت والا عضو کمیسیون هستند  
**نصرت الدوله** - خیر بنده عضو کمیسیون نیستم ولی یک پیشهادی تقدیم کردم که اگر شاهزاده سلیمان میرزا موافقت بفرمایند اجازه بدهند پیشهاد بنده هم قرائت شود تا توضیحات خودم را بدهم آنوقت اخذ رأی شود  
**سلیمان میرزا** - عقیده بنده اینست در این میان یک مبلغی بمعارف ایالات و ولایات خدمت بشود اینهم نه یک مالیات جدیدی است نه تحمیل - فقط یک معنی است آنهم از اشخاص متمول و بزرگ حالا بفرمایند که بگذارند بنده موافقم  
**نصرت الدوله** - پس بفرمایند پیشهاد بنده هم قرائت شود (شرح زیر قرائت شد)  
 بنده پیشهاد می کنم که ۲۳ قلم مستمری که با ارسال تومانی دو و پانصد داده شده تومانی پنجشاهی پرداخت شود  
**نایب رئیس** - آقای نصرت الدوله (اجازه)  
**نصرت الدوله** - بنده از لایحی از شاهزاده سلیمان میرزا شکر میکنم که بنده مجال دادند چون عضو کمیسیون بودجه نیستم عرایض خود را بمرض مجلس برسانم و جوابهای ایشان را هم بدهم .  
**مدرس** - اینگونه مذاکرات سابقه ندارد .  
**نصرت الدوله** - اختیار این مسئله مربوط پیشهاد کنند است . وقتی پیشهاد کننده راضی شد جناب عالی حق اعتراض ندارید قبل از اینکه داخل در موضوع شوم یک مطلبی را میخواستم روشن کنم .  
**نایب رئیس** - در پیشهاد خودتان شرح بدهید  
**نصرت الدوله** - و آن اینست که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در قسمت فوق خودشان برای اینکه آقایان نمایندگان راهم موافق کنند شرحی راجع بکری بودجه معارف بیان فرمودند و البته خودشان هم بتجربه دیده اند و ملاحظه کرده اند و همیشه آقایان حاضرند و معتقدند از هر جا که ممکن باشد کمکی بمعارف این مملکت که حقیقتاً بودجه اش کم است بشود که لاقلاً از این کمتر نشود - ولی در اینجا تصور میکنم موضوع مستمری و شهریه همها بطور که در قسمت دیگر نطق خودشان اظهار کردند میده و منشأ باید استحقاق و غیر استحقاق باشد نه اینکه یک مخارج لازمتری در مملکت وجود دارد زیرا اگر بنا باشد اینطرز ر امرامات کنیم و همینطور بطور الا هم فالاهم مسئله را حل میکنیم ممکن است خیلی از مخارج که در مملکت هست اصلاً از بین برود  
 گذشته از این خود شاهزاده سلیمان میرزا عضو کمیسیون هستند و حالا نه ما از سال گذشته است و سه ماه دیگر بیشتر باقی نمانده است و در این مدت هم بنده ایشان در مجلس بودم و این اطلاعات را هم در وزارت معارف تحصیل کرده ام بنده خیلی متأسفم که چرا در ظرف این نه ماهه در کمیسیون این مسئله را که حقیقتاً هم صحیح است طرح نفرمودند که با موافقت اعضاء کمیسیون بودجه بکنند اساسی برای این خللی که در اراکان مدارس ولایات و ایالات پیدا شده بشود چرا در آن موقع تذکر ندادند و آن وقت این مسئله هم هم را در ضمن مسئله دیگری بعنوان مذاکره در پیشهاد عنوان کنند ؟  
 در دوره سابق همانطوری که خودشان گفتند بنده جزو کمیسیون بودجه بودم از طرف کمیسیون هم مغیر بودم با ایشان و آقایان دیگر در کمیسیون خیلی نصی کردیم و زحمت کشیدیم که بلکه بتوانیم در ارقام مستمریات یک اشخاصی را پیدا کنیم که بطور قطع و مسلم بتوانیم بگریهیم در این اشخاص احتیاج ندارند از تمام ارقام آن کتابچه که زیر دست ما بود در کمیسیون بودجه بالاخره بیست و سه قلم توانستیم استخراج کنیم این بیست و سه قلم همان اسامی است که حضرت والا قرائت کردند بنده تعجب میکنم که شاهزاده مار الدوله جزء آن صورت نبود حالا یا در آن صورت نبود و الا نظر ما معوض شده یا از قلم افتاده بنده درست نظرم نیست که چطور شده بالاخره آنوقت مذاکره کردیم که باین بیست و سه قلم معامله باید بکنیم مذاکره بود قطع شود یا کم شود بنده از اشخاصی بودم که با قطع آن مخالفان بودم - حالاً هم مخالفم و از آقایان دعوا میکنم که باینده موافقت فرمایند در مخالفت با قطع چرا ؟ از برای این که این بیست و سه نفر احتیاج ندارند  
 مثلاً یکی خود بنده هستم که هزار و صد و خورده مستمری دارم بحمدالله احتیاج هم باین حقوق ندارم بعلاوه نه سال ده سال است که در مملکت سه چهار ماه پیش نیامده که این حقوق را بگیرم برای اینکه همیشه در کار دولتی بوده ام و نگر فته ام و نمی گیرم و احتیاج هم ندارم ولی با قطع آنهم موافق نیستم بدو دلیل  
 یکی اینکه عنوان قطع که در این آمد این یک مخاطره ایست که من نمی ایجاد می کنم برای آنها بلکه مستحق

و نمیتوانند بگذارند و این مخاطره را که عرض میکنم اینست که مثلاً روز شاهزاده میآیند و میگویند که همه مستمریات باید تومانی دوریال بشود سال دیگر ممکن است که بگویند ماهی صد تومان یا دویست تومان احتیاج ندارند ولی نباید راه را باز کنند و این واگذاری ایشان باعث میشود که راه باز شود  
 برای قطع کردن حقوق اشخاصی که مستحقند و آنها گرفتار میشوند یک چیزی راهم عرض میکنم یک ماده قانون را برای حضرت والا میخوانم چون گفتند که امیر کبیر قاچاق کرده خیر -  
 این قاچاق نبوده اجازه بوده که خودشان و مجلس بطور قانونی داده اند ماده پنج قانون مصوبه ۱۳۰۱ شمسی که آقای تدین چند ماده آنرا خواندند:  
 مستمریاتی که شهریه شده است صاحبان آنها مختارند مطابق مواد فوق ترتیب مستمریات اخذ نمایند در صورت برگشت شهریه به مستمریات فقط مستمری پرداخت و چیزی باسم شهریه داده نخواهد شد بعد یک قانون دیگری هم مجلس گذراند مصوبه ۲۲ جوزا که بنده میخوانم ماده واحد .  
 وزارت مالیه مجاز است حقوق اشخاص را که بموجب ماده پنجم قانون شهریه و مستمریات مصوبه ۱۷ برج اسد ایت ثیل ۱۳۰۱ -  
 از شهریه تبدیل به مستمری بنمایند مطابق نرسد موقعی که از مستمری تبدیل به شهریه نموده اند پرداخت نماید - پس قاچاقچی در بین نبوده و اگر کسی اینکار را کرده است بر حسب قانون و اجازه مجلس بوده نسبت باشخاص دیگر که اسامی آنها خوانده شد  
 اغلب اینها و لو پسر ظل السلطان ولو دختر ظل السلطان و لوجه و لوجه در میان اینها یک اشخاصی هستند که استحقاق دارند و در ضمن اشخاص دیگری هم هستند - مثلاً از قبیل شاهزاده صارم الدوله که استحقاق ندارند و بنده از طرف ایشان و کالت میکنم که بدون هیچ اشکالی مستمری ایشان را از قرار تومانی پنج شاهی بدهند و ایشان هم قبول کنند و یک چیز دیگری هم که میخواهم عرض کنم اینست که این میز و این مرکز مرکز قانون گذاری است صحبت اعانه نیست اعانه باید با رضایت اشخاص باشد قانون گذار حرف از اعانه نباید بزند این قانونی را که شما اینجا تصویب میکنید حتمیت دارد .  
 نایب رئیس - از موضوع خارج نشوید .  
 نصرت الدوله - خیلی خوب عرض بنده هم تمام شد .  
 مدرس - این پیشهاد شاهزاده نصرت

کمیسیون بودجه هم بودم گفت من واگذار نمیکنم و عقیده هم ندارم که شما واگذار کنید چرا ؟  
 برای اینکه مثلاً آقای سپهبد ماهی صد تومان یا دویست تومان احتیاج ندارند ولی نباید راه را باز کنند و این واگذاری ایشان باعث میشود که راه باز شود  
 برای قطع کردن حقوق اشخاصی که مستحقند و آنها گرفتار میشوند یک چیزی راهم عرض میکنم یک ماده قانون را برای حضرت والا میخوانم چون گفتند که امیر کبیر قاچاق کرده خیر -  
 این قاچاق نبوده اجازه بوده که خودشان و مجلس بطور قانونی داده اند ماده پنج قانون مصوبه ۱۳۰۱ شمسی که آقای تدین چند ماده آنرا خواندند:  
 مستمریاتی که شهریه شده است صاحبان آنها مختارند مطابق مواد فوق ترتیب مستمریات اخذ نمایند در صورت برگشت شهریه به مستمریات فقط مستمری پرداخت و چیزی باسم شهریه داده نخواهد شد بعد یک قانون دیگری هم مجلس گذراند مصوبه ۲۲ جوزا که بنده میخوانم ماده واحد .  
 وزارت مالیه مجاز است حقوق اشخاص را که بموجب ماده پنجم قانون شهریه و مستمریات مصوبه ۱۷ برج اسد ایت ثیل ۱۳۰۱ -  
 از شهریه تبدیل به مستمری بنمایند مطابق نرسد موقعی که از مستمری تبدیل به شهریه نموده اند پرداخت نماید - پس قاچاقچی در بین نبوده و اگر کسی اینکار را کرده است بر حسب قانون و اجازه مجلس بوده نسبت باشخاص دیگر که اسامی آنها خوانده شد  
 اغلب اینها و لو پسر ظل السلطان ولو دختر ظل السلطان و لوجه و لوجه در میان اینها یک اشخاصی هستند که استحقاق دارند و در ضمن اشخاص دیگری هم هستند - مثلاً از قبیل شاهزاده صارم الدوله که استحقاق ندارند و بنده از طرف ایشان و کالت میکنم که بدون هیچ اشکالی مستمری ایشان را از قرار تومانی پنج شاهی بدهند و ایشان هم قبول کنند و یک چیز دیگری هم که میخواهم عرض کنم اینست که این میز و این مرکز مرکز قانون گذاری است صحبت اعانه نیست اعانه باید با رضایت اشخاص باشد قانون گذار حرف از اعانه نباید بزند این قانونی را که شما اینجا تصویب میکنید حتمیت دارد .  
 نایب رئیس - از موضوع خارج نشوید .  
 نصرت الدوله - خیلی خوب عرض بنده هم تمام شد .  
 مدرس - این پیشهاد شاهزاده نصرت

الدوله پیشهاد بر پیشهاد بود مخالف با نظامنامه است .  
 ضیاع و اعراض - بفرمایند آن پیشهاد را بخوانند .  
 نایب رئیس - پیشهاد حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله هم یک پیش نهادی کردند که یک قسمتش مربوط بآن پیشهاد شاهزاده سلیمان میرزا بود و خودشان هم قبول کردند که این پیش نهاد خوانده شود و توضیح بدهند این بود که چون آقای مدرس اعتراض کردند که این پیشهاد ثانوی پیش نهاد بر پیش نهاد است این بود که توضیح دادم و گمان میکنم قبل از رأی در پیش نهاد اولی نمیشود در این پیشهاد ثانوی رأی گرفت  
 سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم .  
 نایب رئیس - اگر توضیح قانونی دارید بفرمایند .  
 سلیمان میرزا - بلی عرض میکنم حضرت والا در منتهای زرنگی وارد شدند در اینکه توضیح در پیشهاد خودشان بدهند ولی استفاده از موقع نمودند و فرمایشاتی کردند که برخلاف موضوع بود و با اینکه مقام نیابت ریاست هم فرمودند خارج از موضوع است مهمان ایشان حرف خودشان رازندند .  
 علی ای حال بنده آنها را کان لم یکن فرض میکنم برای اینکه در دوره چهارم از این حرفها بنده و ایشان خیلی زده ایم . ایشان میگویند باید از خزانه دولت حقوق گرفت و لو پنج شاهی باشد و بنده عرض میکنم نباید گرفت .  
 زیرا این افتخاری نیست ولی آنچه که بنده میخواهم توضیح بدهم راجع بدو مسئله است یکی این است که باین اشخاص که حقوق میدهند مثل اعانه است و اعانه به مستحقین داده شود و اینها استحقاق ندارند چنانچه یک فرد میرزا این آقایان شاهزاده صارم الدوله است که مستحق نیستند و باید باینها حقوق داده نشود .  
 باید بآن فقراتی که از اینجا تا خانها می بینیم صدها از گرسنگی می میرند حقوق داده شود .  
 چه فلسفه دارد که از رعایای بدبخت پول بول بگیرند بیاورند بدهند باین آقایانی که هیچ استحقاق ندارند از اینها میگردیم مسئله دوم این است که حضرت والا سوع تمیر کردند عرض بنده را و آن راجع بقاچاق است که فرمودند قاچاق نیست .  
 بنده باز عرض میکنم قاچاق است آن ماده که خواندند گفته است بروند مستمری بگیرند ولی نگفته است بروند تومانی یک تومان مستمری بگیرند بلی گرفتن تومانی

یک تومان مستمری قاچاق است در هر حال بنده داخل در مذاکرات دوره چهارم خودم باشاهزاده نصرت الدوله نمیشوم و همین قدر عرض میکنم که افتخار داری کسکول گدائی را برداشته و برای معارف گدائی کنم و حالا نمیخواهم کلمه مفتخوار را این جا داد و بطور نراکت میگویم که نباید باین اعانه داده شود .  
 در هر صورت بنده بوکلای ایالات و ولایات یاد آوری میکنم که اگر پیشهاد رأی ندهند معارف ایالات و ولایات از بین میروند .  
 نایب رئیس - از موضوع خارج بود .  
 آقای تدین - (اجازه)  
 تدین - بنده عرض میکنم در همین اینکه مکرر صحبت شده است که آقایان وزراء کذبی نفع هستند در این قسمت ها باید بیایند و یک قدری هم آنها کمک کنند متأسفانه معمول این شده است که لایحه میآورند و بمجلس میدهند و میروند استراحت میکنند آن وقت کارهایائی میسرند که مشاجرات بین و کتله در میگیرد یکی مخالف و یکی موافق و یکی مدافع یا یکی مصلح میشود .  
 علی ای حال بنده در این مشاجراتیکه بین دو شاهزاده معترم واقع شده است کار ندارم و بی طرفم ولی دو نکته این جا ذکر شد که آنرا میخواستم عرض کنم .  
 اینجا مذاکره شده که این پیشهاد ثانوی پیشهاد بر پیشهاد است خیر اینطور نیست .  
 این پیشهاد اصل موضوع است ولی این پیشهادها تکیه مجموعاً میشود بنده تصور میکنم باید آقایان در آنها بیشتر تأمل کنند .  
 والا مادچار مشکلات میشویم بنده فقط توضیح میخواهم بدهم باینکه ۷ ماه است مجلس شورای ملی رأی داده است که حقوق و مخارج این ۷ ماهه را دولت در حدود بودجه سال گذشته بپردازد و شهریه هاهم مشمول آنهاست .  
 اگر چه شما امروز یک رأی بدهید باید آن ۷ رأی مجلس را که نسبت بشهریه ها در این ۷ ماه داده شده لغو کنید زیرا این رأی ثانوی متناقض با آراه اولیه میشود و اما این قسمت هائی که گفته میشود معارف ایالات و ولایات بنده میخواهم یک توضیح بدهم .  
 اگر چه بنده مستقیماً در جریانات معارف نبودم ولی بی اطلاع هم نبودم بودجه سال گذشته و سال ماقبل وزارت معارف هشتاد هزار تومان بود و امسال در لایحه اول دولت که تقدیم مجلس شد ۵۰ هزار تومان زیادتیر پیشهاد نمودند ولی آن ۵۰ هزار تومان قبول نشد و در لایحه دومی همان هشتاد هزار تومان

پیشنهاد شد فقط ۲۰ هزار تومان برای مدرسه صنعتی آلمان و ایران هم جزء همین هشتصد هزار تومان شده است حالا اگر یک محل دیگری میخواهند پیدا کنند گمان میکنم نمیشود پیدا کرد حتی لایحه استخدام دکتر هانری اشترنک آلمانی رئیس مدرسه صنعتی ایران و آلمان که اخیراً تقدیم مجلس شده بودو بکمیسیون بودجه آوردند از نماینده وزارت معارف در آنجا توضیح خواسته شد که حقوق این شخص معاش کجاست .

آیا محل جدیدی خواهد داشت یا از همین محل هشتصد هزار تومان است و بالصرافه در آنجا اظهار شد از همین محل هشتصد هزار تومان است ( خطاب بمغیر کمیسیون بودجه ) اینطور نیست؟ مغیر - بله همین طور است .

تدین - بنا بر این جزء این هشتصد هزار تومان است و اگر بخواهند اقلام دیگری برایش درست کنند صحیح نیست .

حالا اگر بنای یغه پاره کردن باشد برای معارف (هیچ نمک هم بزخم معارف نمی باشد ) بنده عملاً خدمت کرده ام برای اینکه جان کنده ام و باز حمت شخصی یک مدرسه تأسیس کرده ام موسی جلد کتاب تألیف کرده ام و در این موقع هم نمیخواهم بخودم اهمیتی بدهم .

ولی عملاً بنده خدمت کرده ام و در واقع اگر حرفی میزنم نه دماغ گوزی است و نه یغه پاره کردن و نه مرهم گذاشتن . این مال مدرسه این ۵۲ هزار تومانی هم که بابت عایدات نیم هشر اوقات در بودجه منظور شده است جزء همین هشتصد هزار تومان است .

آقایان تصور نفرمایند آن یک موضوع دیگری است .

حالا چرا اینطور است؟ برای این است که قانونی مجلس چهارم وضع کرد برای تمرکز عایدات و مالیه بر طبق قانون تمام عوائدی که سابقه دارد می گیرد بهر عنوان و بهر اسم و بهر اسم و بعد در مقابل یک بودجه که برای معارف وغیره درست میشود و میپردازد؟

پس این نیمه اوقاف در شکم این هشتصد هزار تومان است .

نیمه عشر اوقات را که سابقاً میگرفتند برای معارف بوده و اگر هم الان تصویب کنند برای معارف تصویب شده و اگر تصویب نکنند از معارف کسر میشود و این نیمه عشر را پارسل مالیه نمی گرفته ولی امسال ملحه می گیرد و باید بوزارت معارف بدهد .

آقایان بفرمایند - بنده

تدین - باید بنده چه بایه بکنم که بنده .

که در ولایات میرفتند بودجه نداشتمند سه سال کرد و خودی بود مقداری از مردم می گرفتند و یک مقداری صرف خودشان میکردند و اگر چیزی باقی میماند میدادند بر کز و اگر هم کسر بود که هیچ .

بنا بر این صد و چند هزار تومان که در دوره چهارم تخصیص بمعارف ولایات داده شده است جزء این هشتصد هزار تومان است اعتبار مدرسه صنعتی آلمان و ایران هم جز این هشتصد هزار تومان است و مخارج اوقات و حقوق امنای اوقات هم اگر درست شود جزو این هشتصد هزار تومان است این را میخواهم توضیح بدهم که بدانند از وزارت معارف نمیشود از این حیث یک چیزی کسر کنند .

اما اگر موضوع چیز دیگری است که اصولاً باید برای معارف فکری کرد در آن خصوص بنده هم حرفی ندارم و موافقم .

نایب رئیس - پیش نهاد تنفس رسیده است .

جمعی از نمایندگان ظهر گذشته

نایب رئیس - پیشنهاد شده است باید رأی گرفت قرائت میشود و رأی می گیریم .

( بشرح ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد چند دقیقه می نمایم .

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه باتنفس موافقت قیام فرمایند .

( چند نفری برخاستند )

نایب رئیس - تصویب نشد . پیش نهاد هائیکه قرائت شد یکی راجع بشاه زاده سلیمان میرزا بود و دیگری راجع بشاهزاده نصرت الدوله و در این زمینه پیشنهاد نهادی هم آقای یاسائی کرده اند آنهم قرائت میشود رأی میگیریم .

( بشرح ذیل قرائت شد ) این بنده پیش نهاد می نمایم کدر سال . . . .

یاسائی - اشتباه خواندند .

نایب رئیس - اشتباه شده است . پیش نهاد آقای یاسائی قرائت میشود .

( بمضمون ذیل خوانده شد ) مقام مقدس مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم بیست و سه فقره مستمریات که اسامی آنها قرائت شد و اولش باسم آقای عبدالسلطنه از قرار تومانی یک شاهی پرداخته شود .

یاسائی

نایب رئیس - آقای یاسائی ( اجازه )

یاسائی - شاهزاده نصرت الدوله فرمودند از نقطه نظر افتخار و یاد کاری بعضی میخواهند بواسطه خدماتی که کرده اند اسمشان در دفتر دولتی باقی باشد در این

صورت فرقی نمیکند چه تومانی پنجشاهی باشد و چه یک شاهی این است که بنده پیشنهاد کردم تومانی یک شاهی پرداخته شود .

خودشان موافق بودند عرض دیگرم این است که این مذاکراتی که این جا می شود مطابق بانظامنامه نیست و اگر یک مرتبه ماصحبت کنیم فوری زنک زده می شود .

در صورتیکه دیگران یک ساعت بر خلاف نظامنامه حرف میزنند و زنک زده نمی شود و گفته نمی شود خارج از موضوع است .

آقای تدین می فرمایند این اظهارات و یغه پاره کردنها دماغ گوزی است بنده نمی فهمم هر کس برای معارف بخواهد حرف بزند چطور باید حرف بزند که دماغ گوزی نباشد .

نایب رئیس - راجع باظهاراتی که شد هر وقت اظهاراتی برخلاف نظام نامه بشود جلوگیری می شود و جلوگیری هم شد .

و آقای تدین هم که اظهاراتی فرمودند چون عضو کمیسیون بودند حق داشتند بنا بر این اعتراض جناب عالی وارد نبود .

رأی میگیریم به پیش نهاد آقای یاسائی .

سلیمان میرزا - بنده پیشنهادی کرده ام در این زمینه قبل از رأی قرائت شود .

( بمضمون ذیل خوانده شد ) بنده پیشنهاد بنده منظور گردد .

نایب رئیس - ( خطاب به سلیمان میرزا ) بفرمائید .

سلیمان میرزا - برای تذکری که آقای تدین دادند که هفت ماه مجلس رأی داده است و بنده هم آن تذکر را کاملاً صحیح میدانم و برای اینکه یک لطمه در این خصوص وارد نشود همان طور که در بودجه نوشته شده در صورتیکه آقایان موافقت بفرمایند این مسئله را از اول میزان شروع کنند که اشکال آقای تدین وارد نیاید .

یک نفر از نمایندگان - میزان هم رأی داده شده .

نایب رئیس - تجزیه میفرمائید؟

مدرس - تجزیه نمی شود

سلیمان میرزا - بنده عرض کردم چند پیشنهاد است در روی یک کاغذ نوشته ام جدا جدا رأی گرفته شود

نایب رئیس - پس قسمت قسمت رأی گرفته می شود .

مدرس - لوائج باید تجزیه شود نه پیشنهاد .

نایب رئیس - آقای حائریزاده

( اجازه )

حائریزاده - بنده باینکه با این پیشنهاد موافقم ولی بانجریه اش مخالفم برای اینکه یا باید طرح قانونی اسمش را گذاشت یا ضمیمه بمشاوران ماده الحاقیه پیشنهاد اصلاحی که اسمش را نمی توان گذاشت و مورد ندارد پس خوبست بطور ماده الحاقیه یا طرح قانونی پیشنهاد کنند که بشود تجزیه کرد .

نایب رئیس - این پیشنهاد اصلاحی است که راجع بیک قسمت از بودجه پیش نهاد شده است باید رأی گرفته شود اگر قابل توجه شد باید بکمیسیون مراجعه شود والا مؤثر نخواهد بود

مدرس - اجازه میفرمائید .

نایب رئیس - بفرمائید .

مدرس - عرضم این است که صحیح می فرمائید ولی اینها یک چیزها است که ربطی باین بودجه و خرج ندارند دیگر اینکه تقاضای تجزیه می کنند در صورتی که در پیشنهاد مرسوم نبوده و در لوائج تقاضای تجزیه میشده است اینها را چیز تازه ایست و سابقه نباید بشود اینها را باید فکر کرد .

نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا .

سلیمان میرزا - بنده در ضمن توضیحاتم عرض کردم این سه پیشنهاد است که بنده در یک کاغذ نوشته ام . یکی اینکه تمام مستمری های تومانی تومانی و تومانی پنج قران و تومانی در ریال بشود این یک پیشنهاد .

یکی اینکه حقوق آن بیست و سه نام قطع شود .

یکی هم آن اشخاصیکه صور نشان راعرض کرده ام حقوقشان قطع شود و این که میخواهند رأی بگیرند هوز هشتصد هزار تومان - فلان قدر کمتر رأی بگیرند .

نایب رئیس - این سه قسمت است که هر کدام از آنها یک پیشنهاد مخصوص است که جدا جدا رأی میگیریم . یک قسمت اولیه است قرائت میشود .

( بمضمون ذیل خوانده شد ) وزارت مالیه مجاز است که نرخ کلیه مستمریات را در هذمه السنه در ریال محسوب نماید .

مدرس - این اصلاح کجا است ؟

نایب رئیس - این پیشنهاد کرده اند

نایب رئیس - چون همه برای رأی کافی نیست جلسه را ختم کنیم جلسه آتی یک شنبه دستور هم بقیه مذاکرات در این پیش نهاد ها

( مجلس یک ربع بعد از ظهر ختم شد )

نایب رئیس مجلس شورای ملی

سهام السلطان

منشی - علی اقبال المالك  
منشی - معظم السلطان